

اشاره:

تاریخ پیدایش طنز-هر زمان که بوده است - دارای قدمتی طسولانی است. تأکید سنگ‌نشته‌های باستانی که «شادی» را ستوده‌اند و نیز اشعار کهنسال عرب جاهلی، نشان از رفاقت قدیم و صمیمی آن با مردم ایران باستان و عرب‌های همسایه آن و به‌طور کلی بشر، از هر نژاد، در هر سرزمین و با هر گویشی، دارد. نباید فراموش کرد ایرانیان با تمدن کهن و ریشه‌دار خود، همیشه در شوخ طبعی و بذله‌گویی سرآمد همگان خود بوده‌اند. با این حال لوازم حاکمیت روزافزون و توسعه زندگی ماشینی و ارتباط روبه‌افزایش مردم با رسانه‌ها، تأملی دیگر را در این مقوله سازنده و مؤثر، گریزناپذیر ساخته است.

این نوشتار کوتاه، در دو بخش نگاهی گذرا به این عرصه انداخته و تلاش کرده است تا باب گفت‌وگو را بیش از پیش درباره جنبه‌هایی

طنز مطلوب؛ ضرورت و ویژگی‌ها

دکتر محسن اسماعیلی

یک کلام، خداوند او را خلیفه خود در زمین قرار داده^۱ و از او خواسته تا با ایجاد ارتباط با آفریدگارش،^۲ خود را برای همنشینی با بندگانش، خاص، دخول در بهشت ویژه و بازگشت به سوی مبدأ جهان هستی آماده سازد.^۳ اما این همه، بدون پاسخ به نیاز و عواطف مادی و معنوی، که آن هم ودیعه الهی در وجود اوست، امکان‌پذیر نخواهد بود. رسیدن به آن آرمان‌های بلند معنوی، بدون دنیایی آباد،^۴ محیطی آرام^۵ و سرشار از آرامش خاطر و تنعم^۶، رویای شیرینی است که دست یافتن به آن تنها در عالم خیال ممکن خواهد بود.

یکی از این نیازهای فطری، نیاز انسان به سرگرمی، تفریح و لذت‌های مشروع است. از افراد بشر نمی‌توان و نباید انتظار داشت همیشه چوم ماشینی بی‌روح عمل کنند و جز به کارهای جدی و خالی از عاطفه نپردازند. اگر او باید ساعتی از زندگی روزمره‌اش را به

فکاهی‌های نوشتاری را. همانگونه که وسیله و ابزار آن ممکن است مطبوعات باشد یا صداوسیما، سینما و یا هر رسانه دیگری.^۳ آنچه راجع به «طنز» گفته می‌شود بدون در نظر گرفتن صدق احتمالی عناوینی چون اقباش اسرار، کذب و افترا و امثال آن است. بدیهی است عروض هر عنوان، آثار و احکام خاص همان را در پی خواهد داشت.

بخش اول - انسان، رسانه و طنز

۱. نیاز انسان به طنز و سرگرمی
انسان شگفت‌ترین موجود جهان هستی است. در جسم به ظاهر کوچک او دنیایی از استعدادها و نیازها نهفته است. تا آنجا که می‌توان هر یک از فرزندان آدم را خلاصه‌ای از عالم آفرینش و نمونه‌ای از دنیای بزرگ پیرامون او دانست.^۱ در وجود او چنان استعدادها و قابلیت‌هایی به ودیعت نهاده شده که جز دست پر قدرت پروردگار از کسی انتظار نمی‌رود. در

از این موضوع بگشاید. در بخش اول، ابتدا نیاز انسان به طنز و سرگرمی را گوشزد نموده و پس از اشاره به رسالت حرفه‌ای و اخلاقی و وظایف قانونی رسانه‌ها در این زمینه، به یادآوری این نکته خواهیم پرداخت که نه مطلق طنز و نه طنز مطلق، مطلوب و مورد نظر نیست. در بخش دوم نیز پیرامون ضوابط و معیارهای طنز مطلوب و سازنده سخن گفته و شرایط آن را در پنج دسته خلاصه می‌کنیم.

قبلاً یادآور می‌شود که:

۱. طنز در پارسی و عبری دارای الفاظ به‌ظاهر مترادفی نظیر فکاهی، هجو، شوخ طبعی، بدیهه‌گویی، بذله‌گویی، حاضر جوابی، مطالبه و مزاح و هزل است که در ادبیات تخصصی تعریف هر یک و تناسب و ارتباط آنها با یکدیگر روشن گشته است. این نوشتار قارخ از آن‌گفت‌وگوها، به کاربرد مشترک و عام این اصطلاح‌ها اندیشیده است چنان‌که آنچه در پی می‌آید، تنها بررسی موضوع از دیدگاه دینی و گاه حقوقی است و نه از منظرهای دیگر.^۲ این تحقیق درباره «طنز» است که هم مطالبه‌های گفتاری را شامل می‌شود و هم

خودسازی معنوی اختصاص دهد، ساعتی را به اشتغال دنیوی و کسب درآمد پردازد و ساعتی را هم به معاشرت‌ها و روابط معمولی و طبیعی خود بگذراند، بدون تردید بخشی را نیز باید به سرگرمی، تفریح و برآورده‌سازی نیازهای روانی خود اختصاص دهد و شگفت آنکه «بدون توجه به این بخش، انجام مطلوب سایر برنامه‌ها نیز ناممکن است»^۸ و حتی «عبادت خدا» نیز بدون تأمین «نیازهای تفریحی» میسر نیست. به همین جهت امام صادق علیه‌السلام مزاج و سرگرمی را شرط حتمی ایمان شمرده و هیچ مؤمنی را دور از بذله‌گویی و طنزازی نمی‌بیند.^۹ در این زمینه تعالیم دینی چندان فراوان است که در جوامع روایی و در بخش‌های مربوط به اخلاق و آداب معاشرت باب مستقلی برای آن گشوده شده است.^{۱۰}

تاریخ زندگانی مربیان بشریت و پیام‌آوران معنویت نیز نه تنها مخالفتی با این موضوع ندارد، که سیره عملی آنان نیز چنان است که برای مثال پیامبر را بذله‌گوترین مردمان معرفی کرده^{۱۱} و داستان‌های فراوانی از طنزهای دلربای او گزارش کرده‌اند^{۱۲} (که درود خدا و تمامی بندگان صالح او بر وی باد). همچنین حضرت علی علیه‌السلام، که آینه تمام‌نمای اسلام و اخلاق دینی است، آنگونه بود که به تعبیر «ابن‌ابی‌الحدید»، شارح معتزلی مذهب نهج‌البلاغه، در این زمینه «مثال‌زدنی» شده و حتی یکی از سرزنش‌ها و بهانه‌جویی‌های دشمنانش نیز همین بود.^{۱۳} نکته‌ای که خود آن حضرت نیز به آن اشاره کرده و پاسخ داده است.^{۱۴}

با توجه به همین دلایل است که حتی از نظر فقهی هم مزاج و بذله‌گویی رجحان شرعی داشته و با رعایت موازین آن، از مستحبات فقهی و صفات پسندیده اخلاقی به‌شمار می‌رود. این گفته‌ای است که هم فقیهان بزرگ به آن تصریح کرده‌اند^{۱۵} و هم به تأیید مربیان اخلاق رسیده است.

۲. وظیفه رسانه‌ها در زمان حاضر

آنچه درباره‌ی نیاز طبیعی انسان به سرگرمی و تفریحات سالم گفته شد در دوران ما اهمیتی مضاعف پیدا کرده است. توسعه زندگی ماشینی، گسترش شهرها و افزایش بی‌رویه جمعیت، مقتضیات و تنگناهای زندگی شهری و مشکلات اقتصادی، تمام وقت مردم را به

■ تاریخ زندگانی مربیان بشریت و پیام‌آوران معنویت، نه تنها مخالفتی با این موضوع ندارد، که سیره عملی آنان نیز چنان است که برای مثال، پیامبر را بذله‌گوترین مردمان معرفی کرده و داستان‌های فراوانی از طنزهای دلربای او گزارش کرده‌اند.

خود اختصاص داده و آنها را نه تنها از رسیدن به آمال معنوی، که از تأمین خواست‌های مادی و نیازهای فطری خود نیز محروم ساخته است. بحران روانی انسان معاصر که دغدغه بزرگ مصلحان و نیک‌اندیشان زمان ماست نشانی از همین یک‌سونگری‌ها و مادی‌گرایی‌هاست و نقش وسایل ارتباط جمعی، اعم از صداوسیما و مطبوعات، در همین جا روشن می‌شود. رسانه‌ها، از جمله ابزار مؤثری هستند که معماران زندگی آرمانی برای برآورده ساختن خواست‌های درونی بشر امروز و جبران درگیری بیش از حد او با زندگی روزمره به آن توجه کرده‌اند.

به گفته برخی «برای پاسخگویی به نیازهای تفریحی افراد انسانی، وسایل ارتباطی معاصر وظایف گوناگونی به عهده دارند. در دنیای کنونی، به سبب فشار کار روزانه و شرایط دشوار زندگی ماشینی، انسان‌ها بیش از هر زمان به استراحت نیاز دارند و اگر برنامه‌های مناسبی وجود نداشته باشد که اوقات فراغت آنان را پر کند و خستگی‌ها و اضطراب‌ها و دلهره‌های آنها را تسکین دهد، خیلی زودتر از حد معمول فرسوده و از کار افتاده خواهند شد. توجه فراوان به تأمین اوقات فراغت بیشتر و استفاده کامل از این اوقات، سبب شده است که به تدریج انسان به سوی یک نوع «تمدن فراغت» گام بردارد و با کاهش ساعات کار و ایجاد وسایل سرگرمی، از زندگی خود بیشتر لذت ببرد. در حال حاضر روزنامه‌ها و مجله‌ها، رادیوها و تلویزیون‌ها و سینماها با انتشار و پخش مطالب و برنامه‌های گوناگون خود، از بهترین وسایل تفریحی و سرگرمی افراد به‌شمار می‌روند»^{۱۶}

از این‌رو، به عقیده دانشمندان علوم ارتباطات، «وسایل ارتباطی، علاوه بر وظایف

مهم خبری و آموزشی و راهنمایی و رهبری - که در سازندگی و آمادگی افراد برای زندگی اجتماعی نقش اساسی دارند - وظایف تفریحی و تبلیغی نیز انجام می‌دهند. وسایل ارتباطی با انجام وظایف اخیر، بیشتر از لحاظ روانی روی افراد تأثیر می‌گذارند و در صورتی که باعث سرگرم شدن افراد و پرکردن اوقات آنان گردند، نقش تفریحی دارند»^{۱۷}

پروفسور «روژه کلووس»، استاد بلژیکی ارتباطات جمعی، ضمن بحث درباره نقش مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما در جوامع معاصر، وظایف آنان را به دو دسته اصلی، یعنی «وظایف ارتباط فکری» و «وظایف روانی، اجتماعی» تقسیم کرده و دسته دوم را در سه بند چنین توضیح می‌دهد:

۱. همبستگی اجتماعی: کوشش برای ترک گوشه‌گیری و جست‌وجوی پیوندهای حرفه‌ای به جای روابط خویشاوندی و دوستانه گذشته و کمک به ایجاد هماهنگی و همبستگی بین انسان‌ها؛

۲. سرگرمی: حفظ سلامت جسمی و فکری، توجه به استراحت و آرامش افراد و تهیه وسایل تفریحی و سرگرمی آنان؛

۳. درمان روانی: فراموشی ناراحتی‌ها، رهایی از دلهره‌ها و جبران سرخوردگی‌ها.^{۱۸} خوشبختانه، پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در تدوین وظایف قانونی صداوسیما به تمام این جنبه‌ها توجه شده و علاوه بر رسالت‌های معنوی، تهیه برنامه‌های تفریحی و سرگرمی نیز به عنوان یکی از وظایف فرهنگی این دانشگاه بزرگ عمومی دانسته شده است.

«قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران» که در تاریخ ۱۷ تیرماه سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و سپس به تأیید شورای نگهبان رسیده است، ابتدا به آنچه در مقدمه قانون اساسی آمده است، اشاره می‌کند که براساس آن «وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصصت‌های تخریبی و ضداسلامی جداً پرهیز کند.»

سپس اضافه می‌کند که: «صداوسیما

■ قانون اساسی تأکید می‌کند که «رسالت دیگر این رسانه (صداوسیما) پاسخگویی به نیازهای تفریحی جامعه و بارور ساختن اوقات فراغت عمومی از طریق اجرای برنامه‌های سالم و تفریحی است تا در سایه شادابی تن و روان، سلامت و آرامش فکری جامعه تأمین گردد.»

جمهوری اسلامی ایران می‌باید... زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها و باروری خلاقیت‌های انسان تا مرز خلیفه‌اللهی آماده نماید.»

اما همین قانون پس از بیان این اهداف بلند معنوی، تأکید می‌کند که «رسالت دیگر این رسانه پاسخگویی به نیازهای تفریحی جامعه و بارور ساختن اوقات فراغت عمومی از طریق اجرای برنامه‌های سالم و تفریحی است تا در سایه شادابی تن و روان، سلامت و آرامش فکری جامعه تأمین گردد.» و به همین منظور «اجرای برنامه‌های تفریحی سالم و شادی‌آفرین» را از خط مشی‌های کلی و اصول برنامه‌های این سازمان قلمداد می‌کند.^{۱۹}

با این حال این جامع‌نگری، در تدوین قانون مطبوعات، وجود نداشته و در بیان رسالت مطبوعات سخنی از این وظیفه مهم به میان نیامده است.^{۲۰} همچنانکه به هنگام شمارش زمینه‌های مختلفی که می‌توان برای انتشار یک نشریه برگزید اشاره‌ای به «سرگرمی و تفریح» نشده است.^{۲۱} البته باید گفت زمینه‌های مذکور در قانون مطبوعات حصری نبوده و به عنوان مثال ارائه شده‌اند و در نتیجه، انتخاب زمینه مورد بحث نیز مغایرتی با قانون ندارد.^{۲۲}

۳. طنز ممدوح، طنز مذموم

تاکنون از ضرورت وجود مطایبه و طنز در زندگی انسان و رسالت حرفه‌ای و قانونی رسانه‌ها در تأمین این نیاز سخن گفته شد، اما این گفته به معنای مطلوبیت طنز به‌طور مطلق نیست و نباید با سوءاستفاده و اشباع کاذب این احساس صادق انسانی، فلسفه و جوب آن را نادیده گرفت.

پیش از این یادآور شدیم که انسان موجودی است هدفمند، همانگونه که جامعه نیز از نظر قرآن باید به سوی هدف خاصی حرکت نماید و همه چیز، و از جمله طنز، آنگاه مطلوب و شایسته است که در خدمت همین هدف به کار آید.

اگر خوش طبعی و بذله‌گویی بخواهد صرفاً برای گذران بیهوده عمر پربها به کار آید و نتیجه‌ای جز غفلت و سبک مغزی، بدگویی، کینه‌انگیزی، آبروریزی و خواری نداشته باشد، همان بهتر که نباشد. چنین لودگی‌هایی نه تنها سبب آرامش خاطر و آمادگی برای رسیدن به کرامت انسانی نیست، که بذر دشمنی‌ها و آغاز سقوط از مقام والای خردمندی است و همین نوع از مزاح است که در تعدادی از روایات نکوهیده شده و ممنوع گردیده است.

به دیگر سخن «آنچه نزد علمای اخلاق و حکمای متأله، به عنوان آفت و عارضه لسان یعنی مزاح مذموم و منهی عنه مطرح است، به قول عنصرالمعالی مزاح مقدمه شر است، و آبشخورش دروغ و جهل، به روش فحش و ایذا و آزار مردم، وسیله استهزا و استخفاف و موجب از بین رفتن وقار و مهابت و منزلت‌ها، خواری‌آور و قهر و کینه و عداوت‌سازی، که لازمه آن سبکی، بی‌حیایی و بی‌تقوایی است.»^{۲۳}

آری، «برای بندگانی که اغلب اوقات و ساعاتشان به قول عزالدین محمودکاشانی در عزیمت صرف و جد محض می‌گذرد، این خوش‌زبانی در واقع رخصتی است نفوس و طبایع را تا از ملال برهند»^{۲۴} و با نشاط و نیرویی دوباره و با شتابی دوچندان به سوی کعبه آمال روند. با همین نگرش است که در پس هر شوخ‌رفتاری و خوش‌گفتاری آنان، جدیت و عزمی وجود دارد همانگونه که آوارگان و گمشدگان معنویت از این عزم و جد هیچ بهره‌ای نبرده و عمر آنان، یکپارچه، به شوخی می‌ماند.

به قول عارف نامی، مولوی، در دفتر چهارم مثنوی:

«هزل» تعلیم است، آن را «جسد» شنو تو مشو بر ظاهر هزلش گرو هر جسدی هزل است پیش هازلان هزل‌ها جسد است پیش عاقلان کبودکان افسانه‌ها می‌آورند درج در افسانه‌شان بس سرور پند

هزل‌ها گویند در افسانه‌ها گنج می‌جو در همه ویرانه‌ها استاد سخن، سعدی شیرین‌زبان، هم با اینکه از مطایبه برای بیان عالی‌ترین حقایق بهره جسته، هشدار می‌دهد که:

به مزاحت نگفتم این گفتار

هزل بگذار و جد از او بردار

و البته این هنر، جز از مردان خدا بر نمی‌آید. همان‌ها که سنایی نیز به آنها چشم دوخته می‌گوید:

شکر گویم که نزد اهل هنر

هزلم از جد دیگران خوشتر

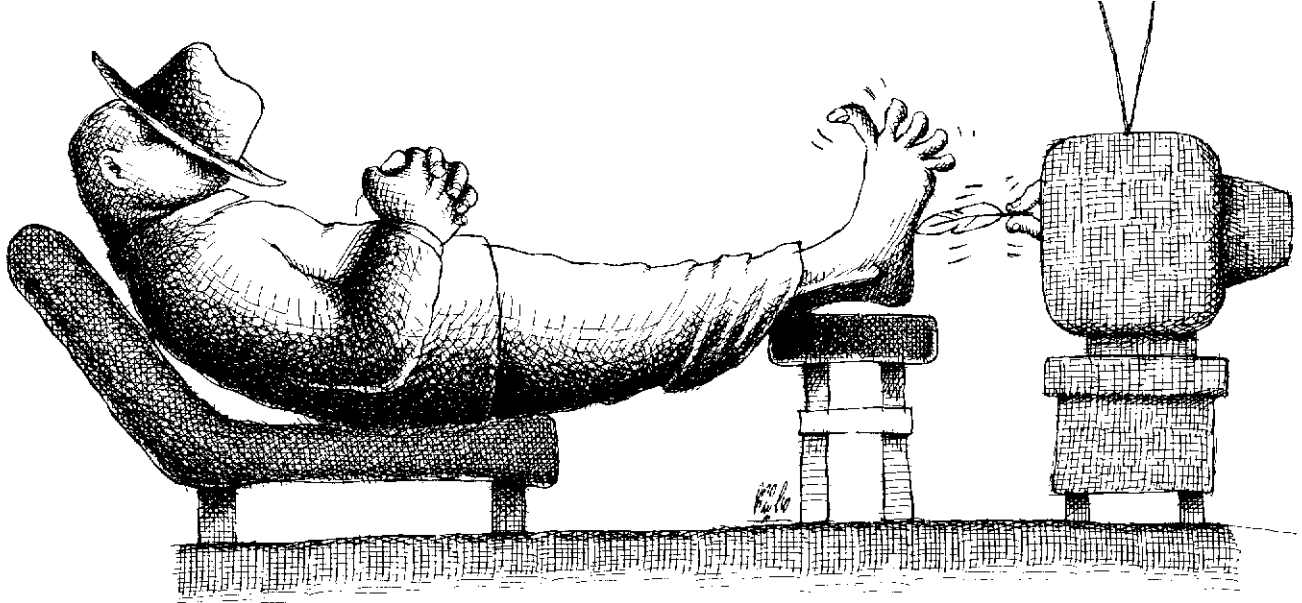
بنابراین طنز با رعایت ضوابط و حدود آن هنر است و اگر چنین هنری نداریم، به قول ملامحمد مهدی‌نراقی بهتر آن است که یک‌سر ترک آن گوئیم.^{۲۵} ناگفته پیداست که روشن‌ترین معیار، «ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی»^{۲۶} و «پرهیز از ترویج ارزش‌ها و سرگرمی‌هایی که با معیارهای اسلامی مخالفت دارد.»^{۲۷} می‌باشد که در قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

با این توضیح که ضوابط و حدود موردنظر، بیش از آنکه قانونی باشند اخلاقی‌اند و پیش از آنکه بر زور و اجبار استوار شوند، بر وجدان و انصاف‌خواهی بنیان نهاده شده‌اند، در بخش بعدی به بیان گزیده‌ای از آن معیارها می‌پردازیم.

بخش دوم - شرایط و معیارهای طنز مطلوب

برای شناخت و جداسازی طنز مطلوب از طنز نامطلوب و به عبارت دیگر مزاح ممدوح از مزاح مذموم می‌توان از نشانه‌های زیر بهره جست. این نشانه‌ها را، همچنین، می‌توان شرایط طنزی دانست که از دید شرع و اخلاق پسندیده است.

۱. انگیزه و هدف: گفته شد طنز را نباید بهانه‌ای برای دم‌غنیمت‌شمی، بیهوده‌انگاری هستی و عمر و غفلت یا تعاف دانست. چنین چیزی نه زیننده فرد مسلمان است و نه شایسته رسانه‌های اسلامی. برعکس، «طنز، تعلیم و تدریس است، مبتنی بر هدف متعالی است.



شونده، بیننده و یا خواننده آن را به اشتباه انداخته و احتمال راست بودن آن را بوجود آورد، بی تردید حرام و غیرمشروع است. اما در صورتی که مخاطبان به غیرواقعی بودن مطلب اطمینان دارند یا مزاح‌کننده قرینه‌ای برکذب بودن آن نیز ارائه نماید نمی‌توان قاطعانه نظر داد.

حرمت چنین طنزی از نظر فقها مورد اختلاف است. اما به نظر امام خمینی، قدس سره الشریف، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.^{۲۱} ایشان می‌فرمایند: «البته روایات متعددی دروغ را، ولو به شوخی، نهی کرده‌اند اما نمی‌توان از آنها حرمت این عمل را استنباط کرد، گرچه ترک این نوع شوخی مطابق احتیاط است.»^{۲۲}

۳. کیفیت و روش: گاهی ممکن است در حالی که هم هدف از بذله‌گویی و هم محتوای آن درست و به‌دور از شوائب شیطانی است، طنز مطلوب نباشد و این در جایی است که شیوه شوخی و کیفیت ادای آن عرفاً یا اخلاقاً ناپسند باشد. برای مثال ممکن است کسی بدون آنکه قصد عیب‌جویی یا سرزنش کسی را داشته باشد، عیب او را در قالب طنز به او گوشزد نماید. این عمل، که حتی می‌تواند تحت عنوان کلی «امر به معروف و نهی از منکر» قرار گرفته و دارای ارزش فراوانی گردد، ممکن است به دلیل انتخاب شیوه نادرست، افشای سرّ محسوب شود، مانند آنکه این طنز در حضور دیگران و به‌گونه‌ای بیان شود که عیب او برای دیگران فاش گردد. همچنین است اگر بیان این عیب در غیاب وی به صورتی مطرح شود که «غیبت» به‌شمار آید یا موجب یادآوری دشمنی‌های دیرین و برافروخته شدن آتش کینه‌ها شود.

می‌شود از محدودیت‌های قطعی فعالیت‌های رسانه‌ای است، بلکه بالاتر اینکه «تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرارندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و...» رسالت اجتماعی آنهاست.^{۲۷}

۲. محتوا و مواد: افزون برآنکه قصد و انگیزه مزاح بایستی «حق» بوده و نیت زشتی در کار نباشد، کلمات و حرکات طنزآمیز نیز باید خالی از هرگونه «باطل» باشد. معیار طنز مطلوب آن است که از الفاظ رکبیک استفاده نشود، دروغ نباشد، ناسزا و ناراحت‌کننده نباشد، تفرقه‌برانگیز و اختلاف‌آمیز نباشد، آبروی کسی یا جمعیتی را تهدید نکند، قوم و قبیله‌ای را تحقیر نسازد و در یک کلام، جز «حق» نباشد. به انگیزه «حق» جز از «حق» نباید بهره برد و این همه در آن کلام کوتاه، ولی جامع، نبوی نهفته است که فرمود «من حتماً شوخی می‌کنم ولی جز حق چیزی نمی‌گویم.»^{۲۸}

استفاده از مطالب نادرست و غیرواقعی، گمراه ساختن مردم و کمک به جهل عمومی گناهی نیست که به بهانه «شوخی طبیعی» بتوان آن را نادیده گرفت. تا چه رسد به آنکه فحش و ناسزایی بخواهد در قالب فکاهی توجیه شود که در این صورت به تعبیر امام ششم «مزاح، فحش کوچک است».^{۲۹} و همو - سلام‌الله‌علیه - فرمود: «خداوند کسی را که در میان گروهی مزاح و شوخی نماید دوست دارد اما به آن شرط که ناسزا نگوید.»^{۳۰}

در مورد دروغ‌هایی که به قصد مزاح و سرگرمی گفته و پخش می‌شوند نیز باید گفت هرگاه این دروغ به‌گونه‌ای مطرح شود که

طنزنویسی ادای تکلیف اجتماعی است. طنز، سیلی محکمی است که به صورت یک مسموم می‌زند تا خوابش نبرد؛ هدف کمک به ادامه حیات اوست.^{۲۸} و این، یعنی بیان حقایق جدی و تلخ (انتقاد) در قالب الفاظ شیرین و دلپذیر (طنز)، از مهمترین و رایج‌ترین انگیزه‌های حق‌طلبانه این هنر است و در این صورت است که می‌توان گفت «طنز هشدار می‌دهد است کنایه‌آمیز، از جانب کسی که می‌داند ولی نمی‌تواند، خطاب به کسی که می‌تواند ولی نمی‌داند.»^{۲۹}

از جمله اهداف مقدس طنز و مطایبه را می‌توان گرفتن غبار خستگی و افسردگی از چهره دیگران و کمک به آنان در فراموش ساختن مصایب و سختی‌ها دانست. یونس شیانی می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام از من سؤال کردند با یکدیگر چگونه شوخی می‌کنید؟ در پاسخ عرض کردم: بسیار کم!! ولی حضرت فرمودند «چنین نکنید! شوخی از حسن خلق است و با آن می‌توانی بردار دینی‌ات را شادمان سازی. پیامبر هم به انگیزه شاد ساختن دیگران، با آنها شوخی می‌کرد.»^{۳۰} به همین دلیل است که امام باقر علیه‌السلام نیز می‌فرماید «خنده و تبسم در برابر دیگران و رفع اندوه آنان «حسنة» است و خداوند به هیچ عبادتی محبوب‌تر از شاد ساختن بردار مؤمن پرستش نشده است.»^{۳۱}

همچنین، از میان انگیزه‌هایی که طنز را نامطلوب می‌سازد باید بر سرزنش،^{۳۲} عیب‌جویی،^{۳۳} اهانت^{۳۴} به فرد یا گروه یا قوم مخصوص و هجو و بی‌آبرو ساختن دیگران^{۳۵} تأکیدی مضاعف داشت. نه تنها شوخی‌هایی که موجب «ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به‌ویژه از طریق مسایل نژادی و قومی»^{۳۶}

باید دانست آبرو و اسرار شخصی چنان دارای احترام و واجب‌الرعاية هستند که حتی در صورت رضایت طرف مقابل نیز نمی‌توان متعرض آن شد، هر چند به صورت شوخی. «چون افشای اسراری که خداوند آن را مستور داشته است، همچون گناهان و عیوب مخفی و مسایل آبرویی، حتی بر خود آنان هم جایز نیست و از حقوقی که قابل اسقاط باشد به شمار نمی‌روند.»^{۴۳}

همچنین توجه به این نکته بسیار ضروری است که برخی عناوین، مانند هتک حرمت، دشنام، تحقیر و اذیت دیگران، از عناوین عرفی هستند نه از عناوین قصدی.^{۴۴} منظور این است که تحقق این گناهان ربطی به قصد و نیت فاعلی نداشته و هرگاه عرف مردم از نوع عمل یا شیوه گفتار چنین برداشتی کنند، آن عمل حرام و گناه خواهد بود، هرچند انجام‌دهنده آن چنین قصدی نداشته باشد. بنابراین ساخت برنامه و یا پخش تصاویر و سخنانی که در نگاه مردم جامعه به معنای بی‌احترامی و هتک حرمت شخص یا گروه و قومی تلقی شود، به‌طور کلی نامطلوب و ممنوع است، هرچند به‌نام و با انگیزه سرگرمی و مزاح و مانند آن صورت بگیرد.

حتی انتقادهای سازنده که از حقوق قانونی^{۴۵} مطبوعات و دیگر رسانه‌ها در جمهوری اسلامی ایران است باید به شیوه‌ای سازنده باشد و «انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین و تحقیر و تخریب می‌باشد.»^{۴۶} یعنی نباید به بهانه طنز انتقادی از روش‌های توهین‌آمیز و تخریبی بهره جست.

۴. سوژه و موضوع: برای دستیابی به طنز مطلوب، افزون بر رعایت سه شرط پیشین باید در انتخاب سوژه نیز هوشیار بود. موضوع سرگرمی و فکاهی هرگز نباید از مقدسات دینی و یا افتخارات ملی باشد. آنچه شوخی با آن احساسات عمومی را جریحه‌دار ساخته یا نظم جامعه را از بین می‌برد نباید دستاویزی برای مطایبه و بذله‌گویی باشد. هر ملت، هر قبیله و قوم، اهالی هر منطقه و نیز تمام کسانی که زبان یا گویش خاصی دارند، دارای علائق و تعصبات ویژه‌ای هستند. رعایت این مناسبات از نظر اجتماعی لازم و بی‌احترامی به آنها، حتی به صورت شوخی، ناپسند است. این

ناپسندی در جایی که به عناوینی نظیر اذیت و تحقیر منجر شود، گاهی به سرحد حرمت نیز خواهد رسید.

از این مهمتر ارزش‌های اسلامی است که در جامعه ما دربرگیرنده شعارهای اصلی انقلاب نیز می‌باشد. رعایت شأن مقدسات دینی چنان حائز اهمیت است که فقیه فرزانه‌ای همچون علامه حکلی معتقد است بی‌احترامی به آنها، هر چند به شوخی، موجب کفر و ارتداد خواهد بود.^{۴۷} این مطلب به‌گونه‌ای از آیه ۶۵ از سوره توبه نیز قابل فهم است.^{۴۸} در این آیه شریفه، خطاب به پیامبر عزیز اسلام، آمده است: «اگر از آنان سؤال نمایی چرا آیات الهی را مسخره و استهزا می‌کنید، خواهند گفت که (ما چنین کاری را به طور جدی انجام نداده) و تنها قصد سرگرمی و تفریح داشته‌ایم. به آنها بگو (آیا به این عذر و بهانه) خدایا، آیات و رسول او را مسخره می‌کنید؟! عذر نیاورید که بعد از ایمانتان کافر گشته‌اید.»^{۴۹}

اگر چه حکم به ارتداد و ترتب احکام آن در این مورد غیرقابل تردید نیست و با استناد به دلایلی می‌توان او را از مجازات مرتد معاف دانست،^{۵۰} اما آنچه تردیدناپذیر است نامطلوب و قابل تمیز بودن اینگونه طنزهاست. این نکته در مورد مطبوعات به عنوان یکی از مهمترین رسانه‌ها به تصویب قانونگذار رسیده^{۵۱} و البته اختصاصی به آن ندارد و رعایت آن وظیفه هر رسانه دیگری نیز هست.

دانشمندان بزرگ، مراجع عالیقدر تقلید و علمای ربانی به‌ویژه مقام والای ولایت فقیه از جمله مقدسات مذهبی هستند که وجوب حفظ حریم آنان بر هیچ عاقلی پوشیده نیست. به همین جهت «اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم‌رهبری و مراجع مسلم تقلید»^{۵۲} از حدود فعالیت مطبوعات در جمهوری اسلامی دانسته شده و در صورت ارتکاب چنین جرمی «پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.»^{۵۳}

جالب اینکه به دلیل اهمیت موضوع، این جرم عمومی بوده و «تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.»^{۵۴} به‌طورکلی، باید گفت طبق قانون اساسی رسانه‌ها و از جمله «نشریات و مطبوعات در

■ طنز با رعایت ضوابط و حدود آن هنر است و اگر چنین هنری نداریم، به قول ملامحمد مهدی نراقی بهتر آن است که یکسر ترک آن گوئیم.
■ روشن‌ترین معیار، «ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی» و «پرهیز از ترویج ارزش‌ها و سرگرمی‌هایی که با معیارهای اسلامی مخالفت دارد.» می‌باشد که در قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

بیان مطالب آزادند مگر آنکه منحل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.^{۵۵} و «نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند»^{۵۶} نمونه‌ای از اخلاق در مبانی دینی و تجاوز به حقوق مردم است که حتی به عنوان طنز نیز ممنوع است.

۵. میزان و مقدار: افراط و تفریط، مشکل همیشه انسان بوده است تا جایی که حفظ تعادل در تمام زمینه‌ها، غایت و هدف اصلی علم اخلاق و تعلیم و تربیت دانسته شده است. شوخ طبعی و اشتغال به سرگرمی‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیست. یعنی همانگونه که دوری از آن و پرداختن بیش از حد به مسایل جدی موجب افسردگی و کسالت روحی و جسمی انسان یا جامعه شده و نشاط و پویایی را از آن سلب می‌کند، پرداختن افراطی و زیاده‌روی در

■ رسانه‌ها و به ویژه

صداوسیما، باید در تهیه و

پخش برنامه‌های سرگرمی و

فکاهی از اندازه ضرورت تجاوز

نکنند. «تلاش در برحذر داشتن

نسل جوان از سرگرمی‌های

زیان‌بخش و اعتیادهای مضر و

خطرناک» وظیفه قانونی این

دانشگاه سراسری و عمومی است.

آن هم ضربه مهلکی است که می‌تواند فرد یا جامعه را از موقعیت شایسته آن ساقط کند.

مداومت بر مزاح و افراط در آن، انسان را از حق و اعتدال خارج می‌کند^{۵۷} و در درازمدت اخلاقی جامعه را به سوی لودگی، بی‌بندوباری و تن‌پروری و بی‌کارگی سوق می‌دهد و این همان خطری است که باعث شده از «کثرت مزاح» برحذر داشته شویم. شایان تأمل اینست که نزدیک به همه روایاتی که در مذمت ضحک و مزاح وارد شده دارای قید «کثرت» است.^{۵۸}

قرآن ناطق، حضرت امیرالمؤمنین، علی‌علیه‌السلام فرموده‌اند: کثرت مزاح هیبت انسان را از بین می‌برد^{۵۹} و شخصیت او را ساقط می‌کند.^{۶۰} ارزش آدمی را می‌کاهد و موجب دشمنی و کینه می‌شود،^{۶۱} نشانه نادانی^{۶۲} و باعث فساد عقل است^{۶۳} و در یک کلام انسان کامل کسی است که «جسد» او بر

«هزل» و شوخی‌اش غلبه داشته باشد.^{۶۴}

این توالی فاسد و بیماری‌های جانکاه، همانند فرد، برای جامعه‌ای که مبتلا به زیاده‌روی در بذله‌گویی و خوشگذرانی شود نیز تحقق خواهد یافت. این هشدار است که رسانه‌ها، و به‌ویژه صداوسیما، باید به گوش جان بشنوند و در تهیه و پخش برنامه‌های سرگرمی و فکاهی از اندازه ضرورت تجاوز نکنند. «تلاش در برحذر داشتن نسل جوان از سرگرمی‌های زیان‌بخش و اعتیادهای مضر و خطرناک» وظیفه قانونی این دانشگاه سراسری و عمومی است.^{۶۵}

پی‌نوئیس‌ها:

۱. آزرعم انک جرم صفر - و فیک انظری العالم الاکبر- دیوان امام علی (ع)، ترجمه مصطفی زمانی، ص ۱۷۵.
۲. سوره بقره، آیه ۳۰ (انی جاعل فی الارض خلیفه)
۳. سوره ذاریات، آیه ۵۶ (ما خلقت الجن و الانس الا لیبیدون)
۴. سوره فجر، آیه ۲۷ (ارجعی الی ربک راضیه مرضیه و ادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی)
۵. سوره هود، آیه ۶۱ (واستعمرکم فیها).
۶. سوره نحل، آیه ۱۱۲ (قریه کانت آمنه مطمئنه)
۷. سوره قریش، آیه ۴ (الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف)
۸. امام کاظم علیه‌السلام: واجتهدوا فی ان یکون زمانکم اربع ساعات: ساعة للمناجاة لله و ساعة للمعاشر و ساعة للمعاشره الاخوان و الثقات الذین یعرفونکم عبویکم و یخلصون لکم فی الباطن و ساعة تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم و یهدی الساعه تقدرون علی الثلاث ساعات، تحف العقول، ص ۴۱۰.
۹. اصول کافی ج ۴، ص ۴۸۶.
۱۰. همان، باب الدعابة و الضحک، و نیز بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۷۶ (باب الدعابة و المزاح و الضحک).
۱۱. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۹۲.
۱۲. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۴ به بعد.
۱۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۳۰.
۱۴. خطبه ۸۳ نهج البلاغه فیض الاسلام.
۱۵. آیت‌الله العظمی سید ابوالقاسم خویی، مصباح الفقاهه، ج ۲، ص ۱۳۸.
۱۶. دکتر کاظم معتمدزاد، وسائل ارتباط جمعی، چاپ دوم، ج ۱، ص ۱۶.
۱۷. همان.
۱۸. ر.ک: همان، ص ۲۰.
۱۹. ماده ۳۵ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۰. ماده ۲ قانون مطبوعات.
۲۱. ماده ۱ همان قانون.
۲۲. ر.ک: مقاله نگارنده در فصلنامه علمی تخصصی رسانه، تحت عنوان تعریف حقوقی مطبوعات، شماره ۲۵ ص ۳۸ به بعد.
۲۳. سید مهدی فهیمی، فرهنگ جبهه، شوخ طبعی‌ها، ج ۳، ص ۲۰.
۲۴. همان، ص ۱۷.

۲۵. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۹۳.
۲۶. ماده ۶ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۷. ماده ۳۷ همان قانون.
۲۸. کیومرث صابری، سالنامه گل آقا ۱۳۷۵، ص ۴۷.
۲۹. همان، ص ۴۸.
۳۰. محمد محمدی‌ری شهری، میزان‌الحکمه، ج ۹، ص ۱۴۰.
۳۱. وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۴۸۳ (باب استحباب التسم فی وجه المؤمن).
۳۲. همان، ص ۵۹۶، (باب تحریم تعبیر المؤمن و تأنیبه).
۳۳. همان، ص ۵۹۴، (باب تحریم احصاء عثرات المؤمن و عوداته لأجل تعبیر به).
۳۴. همان، ص ۵۸۸، (باب تحریم اهانة المؤمن و خذله و نیز دواب بعدی در مورد تحریم اذلال و استخفاف مؤمن).
۳۵. شیخ انصاری، مکاسب، ص ۶۱.
۳۶. بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات.
۳۷. بند ۴ ماده ۲ قانون مطبوعات و نیز ر.ک: اصل ۱۱ قانون اساسی.
۳۸. انی لأمرح و لا أقول الا حقاً. میزان‌الحکمه، ج ۹، ص ۱۴۰.
۳۹. المزاح السیاب الاصفه. همان، ص ۱۴۲.
۴۰. ان‌الله بحبب المداعب فی الجماعه بلا رفث. همان.
۴۱. امام خمینی، مکاسب المعرمة، ج ۲، ص ۵۱.
۴۲. همان.
۴۳. همان، ج ۱، ص ۲۶۱ در بحث غیبت.
۴۴. شیخ انصاری، مکاسب، ص ۳۲.
۴۵. ماده ۳ قانون مطبوعات.
۴۶. تبصره همان ماده.
۴۷. علامه حلی، تحریر الاحکام، ص ۲۳۶.
۴۸. ر.ک: علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۳۲.
۴۹. «ولئن سألتهم ليقولن انما كنا نفوض و نلعب قل ابالله و آیاته و رسوله کنتم تستهزؤن لا تتخذوا اقدافکم قرتم بعدایمانکم».
۵۰. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۴۵.
۵۱. ماده ۲۶ قانون مطبوعات: هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.
۵۲. بند ۷ ماده ۶، همان قانون.
۵۳. ماده ۲۷، همان قانون.
۵۴. تبصره ماده ۲۷، همان قانون.
۵۵. اصل ۲۴ قانون اساسی و اصل ۱۷۵ که می‌گوید: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد».
۵۶. بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات.
۵۷. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۹۱.
۵۸. ر.ک: میزان‌الحکمه، ج ۹، صص ۱۴۴ و ۱۴۵.
۵۹. من کثر مزاحه قل و قاره.
۶۰. کثره المزاح تسقط الهیة.
۶۱. کثره المزاح تذهب البهائم و توجب الشحائم
۶۲. کثرة الهزل آية الجهل.
۶۳. من غلب علیه الهزل فسد عقله.
۶۴. الکامل من غلب جده هزل.
۶۵. ماده ۳۸ قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.